



کاسبان مرگ

شمارش معکوس برای پایان سال که شروع می‌شود، چهارشنبه‌سوری نیز از راه می‌رسد

۱۰

● شنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۰ | ۲۱۱۴۰۰ شیان ۱۴۴۴ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۷۳۵۰

آمریکادر بحران بانک‌های فناوری

بانحلال ۳بانک آمریکایی فعال در حوزه رمزارز و فناوری در مدت یک‌هفته، نظام پولی آمریکا با تهدید جدی مواجه شده است

۱۲



همیشه یک زندگی



تهران؛ مهمان خانه نوروزی مردم ایران

در دومین نشست تهران‌شناسی همشهری، حال و هوای «طهران و نوروز» روایت شد



عید نوروز، قدیمی‌ترین آیین ایرانی استقبالی از بهار در ایران باستان است که در گذرگاه زمان اصالتش را به عنوان یک رسانه فرهنگی حفظ کرده و به قرن ۲۱ رسید. امروزه نوروز برای گذشته‌گان نیست، بلکه در قامت یک نم‌افزار فرهنگی به‌عنوان میراث ناملموس جهانی پارسی‌زبانان در سازمان جهانی یونسکو به ثبت رسیده و اهمیت و جایگاه جهانی دارد. هر چند این جشن بزرگ در همه شهرهای ایران در یک زمان مشخص تقریباً با کمی تغییرات به‌دلیل تفاوت در اقلیم‌های جغرافیایی اجرا می‌شود. اما نوروز در تهران به‌دلیل موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پایتخت ویرتینی زیبا از آداب و رسوم اقوام ایرانی است. در واقع باید از این شهر مهم کشور به‌عنوان مهمان خانه تمام مردم ایران یاد کرد که آغوش‌بازی برای پذیرفتن همه سنت‌ها و آیین‌های ایرانیان به‌ویژه در نوروز دارد. به همین بهانه دومین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با عنوان «طهران و نوروز» به میزبانی از جواد انصافی، نویسنده، پژوهشگر، بازیگر، کارگردان نمایش‌های استنی، دکترعباس قنبری عدیوی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر و نصرالله حدادی، تهران‌شناس برگزار شد.

دایره زندگی محصول شهر تهران است. این‌ساز به مرور به‌عنوان یکی از ابزار شادی‌آفرین مورد استفاده حاجی‌فیروز قرار گرفته است.

شنبه‌گردی نوروزی تهرانی‌ها

یکی از رسم‌های جالب تهرانی‌ها که دکتر قنبری در این نشست به آن اشاره می‌کند آیین طبیعت‌گردی در نخستین شنبه نوروز قبل از روز سیزده‌به‌در است. مردم این‌گشت‌وگذار را نشانی از بروز رفتارهای اخلاقی و مناسب نسبت می‌دانند. به‌گفته جواد انصافی در تاریخ جشن‌های نوروزی اسفندماه ویژه زنان بود و اسفندگان در همین زمان برگزار می‌شد. یکی از جشن‌های زنانه‌ای که این روزها میان زنان تهرانی فراموش شده و قفسط در بعضی از شهرهای شمالی و بخش‌هایی از خراسان اجرا می‌شود، جشن ۳روزه حکومت زنان بود. در این مراسم که برای ایجاد قدرشناسی زوجین اجرا می‌شد، تا ۳روز هیچ مردی اجازه خروج از خانه را نداشت، باید تمام مسئولیت خانم خانه را انجام می‌داد و در قبال آن هم زن‌ها فعالیت‌های مردانه مانند سوارکاری، تیراندازی و... انجام می‌دادند. با این‌تغییر، زن و مرد خانه با سختی‌های مسئولیت هر کدام آشنا می‌شدند.

در کردن سیزده در طبیعت

در فرهنگ ایرانی چیزی به نام سعد ونحس وجود ندارد. حدادی می‌گوید در سومین روزماه اسفند، حیوانات جفت‌گیری می‌کردند و پس از گذشت ۲۰روز براساس تجربیات مردم آن دوران جنین حیوان تعیین جنسیت می‌شد. به‌شکرانه این‌ماجرا که غذای همه حیوانات اهلی در خانه آب و سبزه بود می‌رفتند و این شادی در صحرا و دشت معنای «در» کرد نبود.

اخلاق و حفظ محیط‌زیست در چهارشنبه‌سوری

روز چهارشنبه آخر سال در روزگاری که خیری از شهرداری‌ها و جمع‌آوری زباله‌ها نبود برای ایرانی‌ها روز حفظ محیط‌زیست و نظافت بود. تقریباً از ۲۰روز مانده به سال نو مردم در تکاپوی جمع‌آوری زباله‌های قابل اشتعال و سوزاندن آنها به مناسبت چهارشنبه آخر سال بودند. این‌ماجرا به میل همه مردم بود. به تعریف جواد انصافی این کار یک تیر و چند نشان بود. بخش اول ماجرا حفظ نظافت و پاکیزگی محله‌های شهر را همراه داشت. این روزها با پیشرفت‌های علمی متوجه شدیم که زباله‌ها باید سوزانده شوند، کاره‌شیرابه زباله‌ها برای زمین مضر است. در واقع با همت اهالی، زباله‌ها جمع‌آوری می‌شد و در بخش‌های روستایی زمین بسیاری از کشاورزان به همین بهانه وجین می‌شد. در بخش‌های مسکونی هم خانم‌ها، ضایعات اضافی خانه مانند پارچه‌های بدون استفاده، ابزار چوبی یا پلاستیکی را بیرون خانه می‌گذاشتند تا در چهارشنبه آخر سال سوزانده شوند. احترام به سالگردگان و حفظ حرمت آنها در این روز از دیگر میراث‌های چهارشنبه‌آخر سال برای نسل جوان بود. ماجرا از این قرار بود که عدد ۷در فرهنگ ایرانی مقدس بود و بعد از جمع‌آوری زباله‌ها، جوانان در ۷نقطه میدان اصلی شهر گوله‌های آتش را روشن می‌کردند. پریدن از روی آتش در زمانی‌که هنوز شعله‌های آن چندان قوت نگرفتند ابتدا به بزرگان هر محله اختصاص داشت. با این کار سالگردگان و بزرگان به‌احتی از روی آتش گد می‌کردند و همین توانایی باعث ایجاد روحیه و انگیزه میان آنها می‌شد.

غذاهای عیدانه تهرانی‌ها

یکی از بااهمیت‌ترین آیین‌های نوروزی طبخ غذاهای مفید پر از ماده‌های غذایی پرخاصیت در روز چهارشنبه آخر سال و آیین سبزی‌پلو با کوکو که بعدها ماهی جایگزین آن شد و رشته‌پلو از غذاهای مهمی بودند که مختص پایتخت‌نشینان بود. جواد انصافی اشاره به این موضوع تعریف می‌کند، بیشتر غذاهای نوروزی گیاهی بود اما به مرور زمان با تغییر سبک زندگی طبخ غذاهای حیوانی هم به سبب غذایی تهرانی‌ها اضافه شد. سبک سبزی‌پلو و ماهی در شب چهارشنبه آخر سال به‌دلیل مواد پروتئینی ماهی و فسفر آن برای

تقویت حافظه و ذهن میان مردم باب شد. اما قبل از آن مردم سبزی‌پلو را با کوکوسبزی می‌پختند و بر این باور بودند با خوردن این غذا در سال جدید به کوکو افتادن (منظور فراموشی) نمی‌تفتند. اما مهم‌ترین اصل در زندگی رشته‌کار را به‌دست گرفتن و قدم‌گذاشتن در مسیر صحیح است. علاج این کار هم طبخ غذای رشته‌پلو در چهارشنبه آخر سال بود. انصافی به این موضوع هم اشاره می‌کند که بسیاری از خانواده‌ها با این دیدگاه حتماً غذای اصلی‌شان در این روز رشته‌پلو بود. حتی بعضی از بانوان مشتتی رشته هم در جیب همسرانشان می‌ریختند تا در سال جدید رشته کار و زندگی به‌دست‌شان بیاید. نصرالله حدادی در ادامه این‌نشست می‌گوید: در هر شهری براساس اقلیم جغرافیایی و نوع محصولات کشاورزی

غذای مخصوصی طبخ می‌شد. برای مثال در تهران دریایی نبود که مردم دسترسی به ماهی پیدا کنند یا هر خانواده توان مالی خرید ماهی نداشت و اغلب مردم سبزی‌پلو را با کوکو می‌پختند. اما با گذشت زمان به‌تدریج ماهی جایگزین کوکوسبزی شد. البته ماهی دودی هم از غذاهای معروف سفره‌های تهرانی‌ها در گذشته بود. برای مثال برای پذیرایی از میهمانان در نوروز وقتی از کلوچه حرف می‌زیم قطعاً یاد شمال می‌افتیم، پادزرای، شیرینی مخصوص خراسان، نان‌برنجی شیرینی کرمانشاه و یوخه و غرابیه برای منطقه آذربایجان بود. تهران به‌دلیل اینکه از زمان شکل‌گیری و توسعه پایتخت سلاطین مختلف از ۲۳۷سال گذشته بوده است، شیرینی مخصوصی با عنوان سبسالاری در شیرینی‌فروشی‌ها آماده می‌شد.

احترام به زمین و کاشت درخت

این روزها زنان مشترک بود. مردم دنیا حفظ محیط‌زیست است؛ موضوعی که ما قرن‌ها پیش قبل از شکل‌گیری کانون‌های جهانی محیط‌زیستی و امثال آنها در مراسم استقبال از نوروز مراسم کاشت درخت را داشتیم. دکترعباس قنبری با یادآوری این موضوع معتقد است که نوروز برای ایرانی‌ها فقط یک تحویل سال ساده نیست بلکه پیام جهانی احترام به طبیعت را به همراه داشته. برای مثال همین سبزه هفت‌سین به‌معنای رویش دوباره طبیعت و زندگی است. مردم ایران باستان به مناسبت نوروز ابتدا درخت می‌کاشتند که به مرور زمان سبز کردن حیوانات جایگزین آن شد. البته این‌ها ماجرا هم دلیل علمی داشت با توجه به اینکه زیست ایرانی‌ها بر پایه کشاورزی و دامداری بود، بانوان با سبز کردن ۱۲نوع حیوانات روی خشت خام دنبال این بودند تا متناسب با آب و هوای سال جدید کدام محصول برای پرورش مناسب است.

آشتی‌کنان در پای دیگ سمنو

رفع کدورت‌ها پای دیگ سمنوی سفره هفت‌سین از دیگر رسوم تهرانی‌ها بود . بنا بر روایت نصرالله حدادی، سمنوی هفت‌سین از جمله خوراکی‌های عیدانه محصول محله‌ها بود و مثل امروز، محصول آماده بازار نبود. به همین دلیل از چند روز مانده به عید در خانه یکی از اهالی بساط دیگ سمنو راه می‌انداختند به‌حرمت این دیگ اختلافات را با ریش سفیدی بزرگان حل می‌کردند.



رمضان در نوروز

تقارن ماه میسارک رمضان امسال با ایام نوروز به نوعی عید در عید محسوب می‌شود و همواره این ماجرا رایه‌قال‌نیک‌می‌گیریم.

کمتر از ۱۰۰سال پیش مثل این روزها انجام آداب و رسوم خاصی برای استسقبال از عید نوروز در بین مردم شروع می‌شد و مشاغل مختلفی رونق می‌گرفت. برخی از این مشاغل را با هم مرور کنیم.



گلدسته‌خوانی

یکی از رسم‌هایی که در تهران و شهری هم‌زمان با ماه‌میسارک انجام می‌شد گلدسته‌خوانی است. مساجد شیعیان اغلب گلدسته‌دار. در این مراسم ۲نفر بالای گلدسته‌های مسجد می‌ایستادند و هر کدام نیم‌بیت‌هایی را می‌خواندند اما بخش‌هایی را هر دو مشترکاً می‌خواندند.



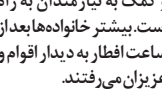
لغت به این ملجم

تقارن ماه رمضان با نوروز بستگی به مناسبت‌های آن دارد. برای مثال اگر روزهای اول تقارن پیدا می‌کرد شادمانی و شسغف مردم بیشتر می‌شد اما اگر ایام شهادت تقارن پیدا می‌کرد، کسی تبریک‌عید را بر زبان نمی‌آورد بلکه بر این ملجم لعنت می‌فرستادند و شادی نمی‌کردند.



لغت به این ملجم

تقارن ماه رمضان با نوروز بستگی به مناسبت‌های آن دارد. برای مثال اگر روزهای اول تقارن پیدا می‌کرد شادمانی و شسغف مردم بیشتر می‌شد اما اگر ایام شهادت تقارن پیدا می‌کرد، کسی تبریک‌عید را بر زبان نمی‌آورد بلکه بر این ملجم لعنت می‌فرستادند و شادی نمی‌کردند.



صله رحم بعد از افطار

دید و بازدید و در واقع رسم زیبای صله‌رحم از رسوم مشترک نوروز و رمضان است. در سال‌های تقارن این دو عید بساط افطاری بسیار بیشتر از عید نوروز و رمضان است. بیشتر خانواده‌ها بعد از ساعت افطار به دیدار اقوام و عزیزان می‌رفتند.



خنجرپرون نوروزی

۲۳روز مانده به عید، پسران نوجوان شهری در کوچه و محله‌ها می‌افتادند. در خانه اهالی را می‌زدند و از همان که آمدن نوروز و رفتن سال، کهنه را خبر می‌داد. اجیل، حلوا، باسمه، تخم‌مرغ و... از جمله هدایایی که اهالی می‌سران می‌دادند و یکی از هدایا را در دامنش جمع‌آوری می‌کرد. رسم عیدپران برای نوجروسان از معدود رسومی بود که اهالی هر یک از روستا و محله‌های ری با توجه به آداب و رسوم بومی و محلی خود این رسم را به‌جامی‌آوردند.

۲۳روز مانده به عید، پسران نوجوان شهری در کوچه و محله‌ها می‌افتادند. در خانه اهالی را می‌زدند و از همان که آمدن نوروز و رفتن سال، کهنه را خبر می‌داد. اجیل، حلوا، باسمه، تخم‌مرغ و... از جمله هدایایی که اهالی می‌سران می‌دادند و یکی از هدایا را در دامنش جمع‌آوری می‌کرد. رسم عیدپران برای نوجروسان از معدود رسومی بود که اهالی هر یک از روستا و محله‌های ری با توجه به آداب و رسوم بومی و محلی خود این رسم را به‌جامی‌آوردند.

۲۳روز مانده به عید، پسران نوجوان شهری در کوچه و محله‌ها می‌افتادند. در خانه اهالی را می‌زدند و از همان که آمدن نوروز و رفتن سال، کهنه را خبر می‌داد. اجیل، حلوا، باسمه، تخم‌مرغ و... از جمله هدایایی که اهالی می‌سران می‌دادند و یکی از هدایا را در دامنش جمع‌آوری می‌کرد. رسم عیدپران برای نوجروسان از معدود رسومی بود که اهالی هر یک از روستا و محله‌های ری با توجه به آداب و رسوم بومی و محلی خود این رسم را به‌جامی‌آوردند.

شب چهارشنبه‌سوری مردان جوان پس از پایان کار روزانه به بیابان‌های اطراف ری می‌رفتند و غلف و هیزم جمع می‌کردند. شب با هیزم و شاخه‌های جمع‌آوری شده کپه‌های آتش روشن می‌کردند و از روی آن می‌پریدند. سفره هفت‌سین مردم ری قدیم به سفره‌های هفت‌سین امروزی شباهتی نداشت و در این سفره که معمولاً جمعه‌های مسی بود، تخم‌مرغ‌های رنگ شده با روتاس یا پوست پیاز، یک دسته گل لاله و نرگس، مقداری شیر آغوز و موشتی نقل و نبات و یک جلد قرآن خطی قرار می‌دادند.

شب چهارشنبه‌سوری مردان جوان پس از پایان کار روزانه به بیابان‌های اطراف ری می‌رفتند و غلف و هیزم جمع می‌کردند. شب با هیزم و شاخه‌های جمع‌آوری شده کپه‌های آتش روشن می‌کردند و از روی آن می‌پریدند. سفره هفت‌سین مردم ری قدیم به سفره‌های هفت‌سین امروزی شباهتی نداشت و در این سفره که معمولاً جمعه‌های مسی بود، تخم‌مرغ‌های رنگ شده با روتاس یا پوست پیاز، یک دسته گل لاله و نرگس، مقداری شیر آغوز و موشتی نقل و نبات و یک جلد قرآن خطی قرار می‌دادند.

شب چهارشنبه‌سوری مردان جوان پس از پایان کار روزانه به بیابان‌های اطراف ری می‌رفتند و غلف و هیزم جمع می‌کردند. شب با هیزم و شاخه‌های جمع‌آوری شده کپه‌های آتش روشن می‌کردند و از روی آن می‌پریدند. سفره هفت‌سین مردم ری قدیم به سفره‌های هفت‌سین امروزی شباهتی نداشت و در این سفره که معمولاً جمعه‌های مسی بود، تخم‌مرغ‌های رنگ شده با روتاس یا پوست پیاز، یک دسته گل لاله و نرگس، مقداری شیر آغوز و موشتی نقل و نبات و یک جلد قرآن خطی قرار می‌دادند.

طهرونی

مشاغلی که در ایام نوروز طهران رونق می‌گرفت

آب حوض کشی تا چینی‌بندزنی

کمتر از ۱۰۰سال پیش مثل این روزها انجام آداب و رسوم خاصی برای استسقبال از عید نوروز در بین مردم شروع می‌شد و مشاغل مختلفی رونق می‌گرفت. برخی از این مشاغل را با هم مرور کنیم.

لحاف‌دوزی و پینه‌دوزی

ایسن روزها خوش‌خواب‌های قطور طبعی با صدای جیرجیر قنبرهایشان جای تشک‌ها و لحاف‌های پشمی گوشه صندوقخانه را گرفته‌اند. صورش را بکنید در روزگاری که خبری از میل و صندلی نبود، چهار گوشه اتاق پتو و لحاف‌هایی با محلفه سفید یا گلدار پهن می‌کردند تا مهمانان به‌راحتی بنشینند و از آنجا که حمل‌ونقل دشوار بود، بسیاری از مهمانان وقتی هوا تاریک می‌شد، شب را در همان خانه سر می‌کردند و این موضوع به اهمیت وجود رختخواب درست و حسابی در هر خانه‌ای اضافه می‌کرد. لحاف‌دوزی در این روزگار بود که رونق داشت و اکنون سال‌های زیادی است که دیگر صدای لحاف‌دوزهای دوچرخه‌سواری که با خود کمان پنبه‌زنی داشتند و فریاد می‌زدند «ای لحاف‌دوزیه» در کوچه‌ها شنیده نمی‌شود.

ساییدن ظروف و فرش تکانی

بعد از آسوده شدن از نو کردن رخت و لباس، نوبت به خانه‌تکانی می‌رسید. آن هم به این شکل که اتاق را کاملاً از اشیاء و اثاثیه خالی کرده و آنها را به حیاط می‌بردند تا پس از نظافت و خاک‌گیری و شست‌وشو به جاهای خود برگردانند. دکان ظروف مسی برای سفید کردن به سفیدگرها و ساییدن ظروف برنجی و ورشوی مانند سماور، سینی و... با گرد آجر و گل انداختن به آنها و لیف و صابون کسردن ظروف نقره هم جزء این خانه‌تکانی به حساب می‌آمد. خانه‌تکانی شامل فرش‌تکانی هم بود. مردها کفپوش خانه را از گلیم گرفته تا نمد و حصیر به کوچه می‌آوردند و با شکل دادن و چوب و تر که درن خاک‌گیری می‌کردند و به حیاط برده و جار می‌زدند. کنار فرش تمام پرده‌ها و روفرشی‌ها چادرشپ‌ها و روتشکی و ملحفه‌ها و همه لباس‌ها هم شسته می‌شدند.

ای گل پونه، نوبر بهاره پونه

در همین روزها بود که معازه‌های شیرینی‌فروشی، اجیل‌فروش‌ها، دوزنده‌های لباس، کفاش‌ها، کلاهدوز‌ها، گیوه‌فروش‌ها و ماهی‌فروش‌ها و سبزی‌فروش‌ها رونق می‌گرفتند و نشان کاسبان نغنا تر خونی‌ها هم بودند که با لاو‌های چوبی و پونه وحشی‌های پرعطر و بو و ترخون‌های پاکوتاه و تربچه‌های نقلی آب‌زده در کوچه‌ها دوره می‌افتادند و فریاد: «ای گل پونه، نغنا پونه، نوبر بهاره گل پونه، تربچه نقلیه، نغنا و ترخون» سر می‌دادند. باغیان‌ها هم بیل به دوش‌های باغچه‌بیل می‌زنم. ای هرس می‌کنم را داد می‌زدند.

دوانگری

سماور یکی از نوستالژی‌های شیرین و مشترک چندین نسل است. در روزگاری که زندگی شتاب‌زده نبود و سسر و کف کتری و قوری‌های برقی جای کبسه‌ای پیدا نشده بود، سماور، به‌خصوص در ایام نوروز، جایگاه ویژه‌ای می‌یافت و از همین ره، تعمیرش هم از نان شب واجب‌تر بود. بر این اساس، حرفه دوانگری از سماورسازی از مشاغل پرمتشری و پردرآمد تهران قدیم بود. به گفته یکی از تهران‌شناسان، خیابان فروش (محله مهدی‌موش) در منطقه ۱۱ زمانی راسته دوانگران تهرانی بود. خم‌کاری، چرخ‌کاری و چکش‌کاری سماورهای برنجی از دیگر کارهایی بود که دوانگران در کارگاه‌های کوچک خود انجام می‌دادند.

آب حوض کشی

نوروز فصل ماهی فرمز و چیدن گلدان‌های سفالی شمعدانی و بنفشه کنار حوض بود. در واقع حوض جزء جدانشدنی حیاط خانه بود؛ شستن ظرف و رخت و لباس و آبوتنی بچه‌ها پای همین حوض انجام می‌شد. وقتی هم آب کدر می‌شد، به کف حوض خزه می‌پست، پای آب‌حوضی‌ها به خانه باز می‌شد تا آب را تخلیه کنند و صفایی به حوض فیروز‌زای خانه بدهند.

سرشلوغی کفاش‌ها و بزبان

قدیم‌ها با بزدنیک شدن به سال نو، سسر مغازه‌داران صنف پارچه‌فروشی و کفش و کلاهدوزی شلوع می‌شد، به‌ویژه اینکه مردم بیش از سالی یک‌بار برای خرید دست به جیب نمی‌شدند و عید نوروز بود که هر کسسی به قدر وسعش به فکر تهیه رخت نو برای اقارن خانواده‌اش می‌افتاد. برای همین، خیاط‌ها تا نیمه اسفند سفارش قبول می‌کردند. بقال‌ها طبق‌های معلق از سنج می‌ساختند و دسته‌های شمع به‌را به‌دند، به سرتاسر پیشانی دکان آویزان می‌کردند. جلد خیک‌های روغن‌الغلب نصفه‌نیمه پاره می‌کردند و برای جلب مشتری گوشه‌اش زوروق می‌چسباندند. دور‌قالب‌های صابون را به همین شکل زوروق می‌زدند و هرم کوچکی از آن می‌ساختند و گوشه مغازه‌شان را چنین زینت می‌کردند.

چینی‌بندزنی

شاید شما آخرین نسلی باشید که آواز چینی‌بندزن‌های دورهم‌گرد را با آن ریتم آهنگین در محله‌های قدیمی تهران شنیده باشید: «چینی‌بندزن آمده! برگ گل باشه، باشه‌بند می‌زنم!» چینی‌بندزنی هم از جمله مشاغل حذف‌شده تهران است؛ ششلی که در روزهای پایانی سال برای بندزدن قوری‌ها و بشقاب‌های گل‌سرخ‌ترک خورده رونق می‌گرفت. چینی‌بندزن‌ها با ابزار ویژه کارشان، تسمه و چسب، مته و تکه‌های شکسته ظروف را برای استفاده مجدد کنار هم می‌چسباندند و باعث ذوق‌زدگی خانم‌خانه می‌شدند.



دوره‌گرد محصولاتش را با شسمر و آواز می‌خواندند؛ در واقع گویش تهرانی‌ها به سبک آوازهای کوچه‌باغی بود. سبک آواز بیات تهرانی هم ویژه مردم شهر تهران است. این ماجرا در اسفندماه از چند روز مانده به آمدن بهار میان تهرانی‌ها رونق زیادی داشت. دلیل اصلی، سبک زندگی عجله‌وار تهرانی‌ها بود؛ خصلتی که در تمام دوره‌ها با زندگی آنها گره خورده است. ترمز این سرعت برای توقف، آواز خوبی بود. برای مثال سمنوفروش فریاد می‌زد «سمنو ای سمنو! مال پای هفت‌سین سمنو!

سمنو چون قند شیرینه، یکی از این هفت‌سینه که نوی سفره می‌بیند» در کنارش سیب‌فروش هم فریاد می‌زد: «سیب شیرین دارم / برای هفت‌سین دارم سیب آوردم از ارنگه / سیب یکی یکی دارم / ما سیب و درهم می‌فروشیم / خوب و بد با هم می‌فروشیم.» جواد انصافی با تعریف، ماجرای کسی‌خوانی را یکی از رسوم خاص تهرانی‌ها عنوان می‌کند؛ آوازها و شعرهایی که فروشنده‌گان برای آوازگردی و تبلیغات جناس‌شان زیر لب سر می‌دادند. یکی دیگر از ابزار موسیقایی ایام نوروز دایره‌زنگی دست حاجی‌فیروز است. دایره در واقع نمادی از گردی، اتحاد و همیمیت اعضای خانواده دور سفره هفت‌سین است. به‌گفته استاد نصرالله حدادی، آداب و آیین‌های نوروزی هر شهری با توجه به هویت فرهنگی و شرایط جغرافیایی‌اش اجرا می‌شود اما به تهران که می‌رسیم بسیاری از آداب‌هایی که از خرده‌فرهنگ‌های اقوام مختلف وارد آیین‌های نوروزی شد با فرهنگ و امکانات اهالی آن به مرور زمان به‌روز شد. برای مثال در میان سازهای کوبه‌ای، دایره زنگی برخلاف بقیه پوست ندارد و این موضوع نشانگر این است که